



تحلیل فقهی و حقوقی فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی‌شوهر با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲

*زهرا ایرج زاده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۱

چکیده

قانون جدید قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ از قانون سابق متضمن حمایت‌های بیشتری از اطفال و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست است. در این قانون بر مصلحت کودک و نوجوان تأکید زیادی شده است و برای تأمین امور و منافع مادی و معیشتی کودکان و نوجوانان مانند استفاده آنان از بیمه عمر یا مستمری و حقوق و وظیفه توجه خاصی مبذول شده است؛ گرچه قانون سابق مشمول کودکان زیر ۱۲ سال بود لیکن این قانون دایره شمولیت قانون را تا ۱۶ سال افزایش داد. نکته مهم قانون جدید مشمول بودن آن نسبت به کلیه اتباع ایرانی است چه در ایران چه در خارج از کشور اقامت داشته باشند که می‌توانند از مزایای سرپرستی کودکان یا نوجوانان بهره‌مند شوند؛ همچنین در این قانون افراد واجد شرایط سرپرستی نیز شامل زن و شوهر دارای فرزند و دختران مجرد و زنان بی‌شوهر نیز شده است؛ این ابتکار قانونگذار فاقد سبقه تقنینی بوده و قبل از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ پیشینه تقنینی نداشته است؛ این قانون از بعد روحی و روانی و از بعد شخصیت‌دهی به کودکان و تأثیر مثبت در موفقیت آینده آنها، مفید خواهد بود ولی خطری که کودکان را در این قانون تهدید می‌کند این است که اگر این دخترها و زنان بی‌شوهر بالای ۳۰ سال ازدواج کردند؛ آینده این کودکان با تغییر سبک زندگی سرپرستان چه نتیجه‌ای خواهد داشت؛ نگارنده با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی و ارزیابی فقهی و حقوقی این نوآوری در این مقاله پژوهشی پرداخته است.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، دختران مجرد، زنان بی‌شوهر، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، کودکان و نوجوانان

بدسرپرست

*مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از ابتکارات مهم و بحث برانگیز قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست که در مهرماه ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسید، شناسایی حق حضانت از این کودکان توسط زنان و دختران مجرد فاقد فرزند است. بند ج ماده ۵ این قانون، دختران و زنان مجرد را به شرط داشتن حداقل سی سال سن، واجد صلاحیت درخواست فرزندخواندگی تشخیص می‌دهد، منوط بر آن که فرزند مورد تقاضا دختر باشد.

باید تغییرات صورت گرفته در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست را در جهت امکان اعطای سرپرستی به زنان مجرد، گامی رو به جلو و متضمن منافع کودکان بی سرپرست از یک سو، و آمال زنانی که به هر علتی قصد یا امکان ازدواج ندارند و در عین حال از مهر خدادادی مادری بی بهره نیستند، از سوی دیگر ارزیابی نمود. در روزها و ماه‌های نخست اجرایی شدن این قانون، زمزمه‌های مخالفت و حتی شگفت‌زدگی از عموم مردم و برخی مسئولین به گوش می‌رسید. اما حقیقت آن است که سرپرستی افراد مجرد نه تنها هیچ منع عقلی و اخلاقی ندارد، بلکه فرصت وسیع و بکری را برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست فراهم می‌آورد تا از گرمای مهر خانواده بهره ببرند و زندگی در بدنه خانواده را به عنوان مهمترین شاکله هویت اجتماعی خود تجربه کنند. پذیرش این قانون در افکار عمومی پس از گذشت کمتر از دو سال خود نشانگر آن است که مخالفت‌ها با ایده سرپرستی زنان مجرد بیش از آن که پایه خردمندانه داشته باشد، ناشی از واهمه از شکستن تابویی بوده است که بی جهت به آن رنگ تقدس بخشیده بودیم. کسی منکر آن نیست که بهترین شکل خانواده، خانواده دو والدی است که هم از عاطفه مادری سیراب شود و هم از سایه سار پدری برخوردار. اما برای کودکانی که مأوایی جز خوابگاه‌های بهزیستی ندارند، برخورداری از عطوفت مادرانه، نعمتی است که باید پاسش داشت، قدرش را دانست و ترویجش داد. فرزندخواندگی

در ایران، بر خلاف بسیاری از کشورهای جهان، نهادی مظلوم و نسبتاً متروک مانده است. با ترویج اشکال مختلف فرزندخواندگی می‌توانیم نسل‌هایی «خانواده دیده‌تر» تحویل آینده دهیم؛ با این توضیحات نگارنده به تبیین فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی شوهر از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران خواهد پرداخت.

۱. مفهوم شناسی

بحث پیرامون یک موضوع نیازمند آشنایی و روشن گردانیدن مفاهیم آن موضوع می‌باشد تا بدین طریق آگاهی نسبی پیرامون تحقیق حاصل شده و خواننده آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید. مفاهیم موضوع مورد تحقیق از اهمیت اساسی برخوردار است و بدون آشنایی لازم با اصطلاحات آن، مطلوب مورد نظر به دست نخواهد آمد. در این قسمت مفاهیم مورد نیاز تحقیق که زیر بنای مباحث بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد به اختصار بیان خواهد شد.

۱-۱. مفهوم فرزندخواندگی

فرزندخواندگی آن است که کسی، فرد دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزندی بپذیرد. در ترمینولوژی حقوق در تعریف فرزندخواندگی آمده: «یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزندی صوری بین دو شخص می‌شود. یکی را فرزندخواه^۱ دیگری را فرزندخوانده^۲ و رابطه مزبور را یا فرزندخواندگی^۳ می‌نامند.^۴

۱. adoptant.

۲. adopte.

۳. adoption

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵، شماره ۳۷۹۵.

۱۸۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

در زبان عربی واژه «تبنی» را نیز معادل فرزندخواندگی آورده‌اند. واژه تبنی از «ابن» اتخاذ شده و معنای دقیق آن «پسرگرفتن» است و با پیشینه تاریخی این نهاد در میان اعراب کاملاً تناسب دارد.^۱

در اصطلاح، فرزندخواندگی یک نهاد حقوقی است که اشکال مختلف دارد: فرزندخواندگی کامل و فرزندخواندگی ساده. فرزندخواندگی کامل^۲ نهادی است که در این نهاد میان فرزندخوانده از جهت حضانت، تربیت ولایت، حرمت نکاح و توارث و استفاده از نام خانوادگی پذیرنده کودک با فرزند واقعی تفاوتی وجود ندارد و رابطه فرزندخوانده کامل با خانواده اصلی وی قطع می‌شود؛ اما فرزندخواندگی ساده^۳ فقط از برخی از مزایای فرزند واقعی بهره‌مند می‌شود این نوع فرزندخواندگی قابل فسخ است. رابطه کودک با خانواده اصلی وی قطع نمی‌شود.

انواع دیگری از فرزندپذیری نیز وجود دارد که با توجه به روش فرزندپذیری و شرایط فرزندخواندگی، والدین زیستی و همچون اشخاص فرزندپذیر، می‌توان فرزندپذیری را به انواع مختلف تقسیم نمود:

۱-۱-۱. فرزندپذیری موسسه‌ای^۴

این نوع فرزندپذیری از طریق موسسات انجام می‌شود به این صورت که کودکانی که والدینشان آن‌ها را به این موسسه سپرده‌اند و یا به هر دلیلی بی‌سرپرست مانده‌اند و به این موسسات منتقل شده‌اند به متقاضیان فرزندپذیر داده می‌شوند و در بیشتر موارد والدین زیستی و والدین فرزند پذیر ارتباط برقرار کرده تا بین آن‌ها اطلاعات لازم مبادله شود؛ در ایران بیشتر موارد فرزندپذیری به این شیوه است و از طریق سازمان بهزیستی صورت می‌پذیرد. با این تفاوت که والدین واقعی کودک را به سازمان

۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، جلد چهاردهم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶.

۲. plenary adoption.

۳. simple adoption.

۴. institutioal adoption.

بهبه‌زیستی واگذار نمی‌کند، بلکه این نوع واگذاری از طریق مراجع قضایی عملی می‌شود. البته درصد بسیار کمی از فرزندپذیرها در ایران به صورت غیررسمی به صورت شفاف^۱ و مستقل نیز انجام می‌شود.^۲

۱-۱-۲. فرزندپذیری موسسه‌ای کودکان با نیاز خاص

این شیوه مخصوص کودکانی است که دارای شرایط ویژه هستند: مثل کودکان عقب مانده ذهنی و یا معلول یا کودکان دارای اختلالات عاطفی.

۱-۱-۳. فرزندپذیری مستقل^۳

این نوع فرزندپذیری که به نوعی فرزندپذیری خصوصی می‌باشد، به مواردی اطلاق می‌شود که در آن والدین زیستی و فرزندپذیر به طور مستقیم کودک را مبادله می‌کنند، البته در بیشتر مواقع این کار در ازای دریافت مبلغ زیادی پول انجام می‌شود؛ در بیشتر ایالات امریکا این کار قانونی است، و حتی درج آگهی در روزنامه و اینترنت برای این امر مجاز می‌باشد. این همان خرید و فروش کودک می‌باشد که البته در کشور ما بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ممنوع بوده و انجام آن پیگرد قانونی دارد.^۴ البته همانطور که گفته شد به صورت غیر قانونی، مواردی اتفاق می‌افتد که، فرزندپذیری در قالب این نوع معاملات نیز انجام می‌شود. کودکی با نژادی متفاوت را به فرزندی بپذیرند. مثلاً والدین سفیدپوست کودکانی سیاه پوست را قبول می‌کنند، البته در بیشتر موارد خلاف این مورد اتفاق می‌افتد.

۱. open adoption.

۲. رزاقی، رضا؛ چکیده‌ای درباره فرزندپذیری، چاپ اول، تهران، اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۸۵، ص ۵.

۳. independent adoption

۴. Gager, K. E. Blood Ties and Fictive Ties: Adoption and Family Life in Early Modern France, Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۶, P۲۹.

۱-۱-۴. فرزندپذیری بین‌المللی^۱

در این روش فرزندخوانده و فرزندپذیر از دو کشور متفاوت هستند و کودک از یک کشور، به عنوان فرزندخوانده به کشور دیگر انتقال داده می‌شود. معمولاً در این شیوه، هر دو از یک نژاد هستند، ولی با ملیتی متفاوت.

۱-۱-۵. فرزندپذیری پیش از تولد^۲

برخی براین عقیده‌اند که، فرزنددار شدن، از طریق فناوری‌های جدید مثل تلقیح مصنوعی، با روش‌های مختلف فناوری کمکی تولید مثل، یا تلقیح از طریق شخص ثالث، نیز به نوعی فرزندپذیری محسوب می‌شود.^۳

از دیدگاه حقوقی، فرزندخواندگی عبارت است از واگذاری سرپرستی کودکان بی‌سرپرست تحت سرپرستی و نظارت سازمان مربوط به خانواده‌های متقاضی که واجد شرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی‌سرپرست می‌باشد.^۴ به عبارت دیگر در اصطلاح، فرزندخواندگی یک نهاد حقوقی است که به واسطه آن رابطه خاصی میان زن و مرد یا احد از آنان از یکسو و فرزندی که شرعاً یا طبعاً متعلق به آنها نیست، از سوی دیگر ایجاد می‌گردد. در این رابطه زن و مرد به عنوان مادر و پدر و کودک به عنوان فرزند آنان است. از این رو زن و مرد را «مادرخوانده» و «پدرخوانده» و شخص پذیرنده و «فرزندخوانده» می‌نامند.^۵

طبق تعریفی دیگر؛ فرزند خواندگی عبارت است از اعطای سرپرستی کودکان بدون سرپرست شناخته شده تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به خانواده‌های متقاضی که واجد شرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی‌سرپرست باشند.

۱. international adoption.

۲. prenatal adoption

۳. رزاقی، رضا؛ چکیده‌ای درباره فرزندپذیری، منبع پیشین، صص ۷-۶.

۴. عالمی طامه، حسن؛ فرزندخواندگی در اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۵۰.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، تهران، چاپ احمدی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۷۸۲.

تحلیل فقهی و حقوقی فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی شوهر..... ۱۸۳

در آیین نامه اجرایی فرزندخواندگی سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۵ در تعریف فرزندخواندگی آمده است: «فرزندخواندگی به فرآیندی اطلاق می شود، که در آن یک فرد از سوی یک زن و شوهر که والدین بیولوژیک او نیستند، ولی قانوناً والدین او شمرده می شوند در خانواده ای پذیرفته می شود.

با توجه به این مباحث می توان فرزندخواندگی را شیوه ای از مراقبت از کودکان معرفی نمود، که در آن رابطه والد- فرزند به شیوه ای قانونی «عاطفی- اجتماعی» بین افراد برقرار می شود که هیچ رابطه ای به واسطه تولد با یکدیگر ندارند.^۱

۱-۲. مفهوم دختران مجرد و زنان بی شوهر

معنای لغوی تجرد در اصل به معنای تنهایی، فراغت و بی تعلقی است.^۲ دخترانی که ازدواج دائم یا موقت انجام نداده اند؛ در عرف به به دختران مجرد تلقی می شوند.

در بند ۱ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱؛ زنان بیوه یا بی شوهر به زنانی اطلاق می شود که به عقد ازدواج (دائم یا منقطع) درآمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت و یا انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند.

برای اولین بار بند ج ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ برای اینگونه زنان حق اعطای فرزندخواندگی را قائل شده است.

۱-۳. مفهوم کودکان بی سرپرست و بدسرپرست

در بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱؛ کودکان بی سرپرست، به کودکانی اطلاق می شود که بنا به هر علت و به طور دائم یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند.

۱. دفتر امور شبه خانواده، آیین نامه اجرایی فرزندخواندگی، تهران: سازمان بهزیستی، ۱۳۹۱، ص ۲۶.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد پنجم، پیشین، ص ۲۶۳.

۱۸۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

کودکان بی‌سرپرست، به کودکانی گفته می‌شود که، بنا به دلایلی، به طور موقت یا دائم، از سرپرستی مناسب و با صلاحیت محروم گردیده‌اند. مانند کودکان رها شده در معابر عمومی و زیارتگاه‌ها، یا کودکانی که بر اثر بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل و یا سوانح انسانی، مانند تصادف یا بیماری و مرگ والدین، از کانون گرم خانواده محروم شده‌اند. اصطلاحاً به این کودکان، کودکان بی‌سرپرست، یا فرزندان سرراهی، رهی یا لقیط می‌گویند.^۱

کودکان بد سرپرست، به کودکانی گفته می‌شود که سایه والدین را روی سرشان احساس می‌کنند، ولی این والدین صلاحیت نگهداری از آن‌ها را ندارند. در طرح تسهیل واگذاری کودکان و فراهم کردن زمینه برای نگهداری آن‌ها در میان خانواده‌ها، با اجرایی شدن این طرح، قریب ۸۰ درصد کودکانی که طبق قانون سابق، شمول فرزندخواندگی نمی‌شدند، می‌توانند به جای مراکز بهزیستی، طعم زندگی را در جمع خانواده‌ای سالم بچشند. چرا که تقریباً ۲۰ درصد کودکان تحت سرپرستی بهزیستی، فاقد پدر و مادر هستند. اکثر پدر و مادر آن‌ها از هم جدا شده یا صلاحیت نگهداری را نداشته‌اند و برخی از آن‌ها به دلیل زندانی بودن والدین، به بهزیستی سپرده شده‌اند.^۲ در بازنگری قانون جدید قید شده است که، اگر یکی از این سه نفر، یعنی پدر، مادر و جد پدری هم در قید حیات باشند، ولی صلاحیت نگهداری فرزند را نداشته باشند، حق واگذاری به خانواده متقاضی، وجود دارد.

۱. عباسی، فهیمه؛ بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲، ص ۵۳.

۲. گزارش طرح تسهیل واگذاری کودکان به نقل از عباسی، فهیمه؛ بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند، منبع پیشین، ص ۶۲.

۲. فرزندخواندگی در حقوق موضوعه ایران

در قانون مدنی ایران، به تبعیت از حقوق اسلامی، فرزندخواندگی به رسمیت شناخته نشده است و برخورداری فرزندخوانده از حقوق فرزند واقعی، مانند توارث، مردود است.^۱

حتی قبل از قانون حمایت از اطفال بی‌سرپرست، نشناختن فرزندخواندگی به عنوان نهاد حقوقی، مانع از نبود که اشخاص خیر به نگهداری و تربیت اطفال بی‌سرپرست اقدام نمایند. در دو کشور شیعه نشین بر خلاف کشورهای سنی فرزندخواندگی امری مقبول و رایج است.^۲

آنچه که در حال حاضر به عنوان فرزندخواندگی در حقوق ایران وجود دارد، با فرزندخواندگی موجود در ایران قبل از اسلام تفاوت‌های زیادی دارد.^۳

در ایران به دلیل به وجود جو مذهبی و نگهداری یتیمان در خانه‌ها، با افزایش جمعیت و تحولات اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن آمار کودکان بی‌سرپرست نیاز به وجود قانون در این زمینه احساس می‌شد و در نتیجه قانونی تحت عنوان قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست در اسفند ۱۳۵۳ به تصویب رسید و تاکنون مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما با گذشت زمان و با توجه به روند رو به رشد جمعیت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به دلیل افزایش جرایم و تغییر نحوه زندگی و ضرورت بازنگری قانون فعلی، با توجه به افزایش تعداد این کودکان، تقویت برنامه خانواده‌ها احساس شد و دولت مردان و صاحب نظران به لزوم ایجاد یک نهاد تخصصی‌تر برای

۱. صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶، ص ۲۴.

۲. Fernea, E. W. Children in the Muslim Middle East, University of Texas Press, PO Box ۷۸۱۹, Austin, TX ۷۸۱۹-۷۸۷۱۳, ۱۹۹۵, ۵۹.

۳. توسلی نائینی، منوچهر؛ فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک و ۱۹۸۹ و مقایسه آن حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره سی و نهم، ۱۳۸۸، ص ۹۲.

۱۸۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

حمایت از این دسته کودکان ضمن تسریع در رفع موانع قانونی فرزندخواندگی که می‌تواند سرنوشت بسیاری از این کودکان را تغییر دهد، کوشیدند.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، در سال ۱۳۹۲ تدوین، و تقدیم مجلس شد. در این قانون همانطور که از نامش پیداست دامنه واگذاری کودکان گسترده‌تر شده و شامل نوجوانان نیز شده است و کودکان بدسرپرست را هم تحت شمول خود قرار داده است. اگرچه در این قانون جدید کاستی‌هایی هم مشاهده می‌شود، و لیکن نسبت به قانون سابق وضعیت این کودکان رو به بهبود است.

۳. فرزندخواندگی در فقه امامیه

روایات متعددی از فقه امامیه و از معصومین در باب فرزندخواندگی و تأکید بر آن نقل شده است که در ذیل؛ به مهمترین آنان اشاره خواهد شد.

برخی احکام فرزندخواندگی بیان شده است، در رسوم جاهلی نسبت دادن فرزند دیگری به خود وجود داشته ولی بعد از نزول آیاتی که پیشتر آمد این سنت از میان رفته است. در کتاب سنن ابی داود پیرامون این مسئله آمده است: قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ فُلَانًا ابْنِي عَاهَرْتُ بِأُمِّهِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا دَعْوَةَ فِي الْإِسْلَامِ، ذَهَبَ أَمْرُ الْجَاهِلِيَّةِ، الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ»^۱ مردی برخاست و گفت: یا رسول الله، فلانی پسر من است، در زمان جاهلیت با مادرش زنا کردم، پس رسول خدا (ص) گفت: فرزندخواندگی در اسلام نیست، رسم جاهلیت از بین رفته و فرزند متعلق به صاحب بستر (شوهر) و مجازات شخص زناکننده، رجم است.^۱

۱. سجستانی، سلمان بن اشعث، سنن ابی داود، سعید محمد اللحام، دارالفکر، بیروت، یازدهم، ۱۴۱۰ ق.، ح ۱۹۴۰.

و نیز روایت شده: «المُسْتَلَاطُ لَا يَرِثُ وَلَا يُورَثُ وَ يَدْعَى إِلَى أَبِيهِ»^۱ فرزندخوانده نه ارث می برد و نه از او ارث برده می شود و به نام پدرش خوانده می شود. و نیز روایتی است که: «لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ دَعِيَ لِغَيْرِ أَبِيهِ وَ هُوَ يَعْلَمُهُ إِلَّا كَفَرَ» جز از کفر مرد نیست که کسی را که به غیر پدرش بخواند در حالیکه او می داند که پدرش نیست.^۲ اما همانطور برعهده گرفتن امور ایتم مورد توجه معصومین و سیره عملیشان در زندگی بوده است چنانچه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَغْنَى عَنْهُ أَوْ حَبَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةُ كَمَا أَوْحَبَ اللَّهُ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ»^۳ «هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا آنکه بی نیاز گردد، خداوند به سبب این کار بهشت را بر او واجب سازد، همچنان که آتش دوزخ را برخورنده مال یتیم واجب ساخته است»

درباره ی «احسان به یتیم» پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُ بَيْوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يَحْسُنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بَيْوتِكُمْ بَيْتٌ يَسِي إِلَيْهِ» (بهترین خانه آن خانه ای است که در آن یتیمی محبت شود و بدترین خانه آن خانه ای است که با یتیمی بد رفتاری شود).^۴ اسلام کودکان بی سرپرست را شایسته تکریم و تربیت در خانواده می داند و در همه مدارک سفارش شده که به آموزش رسیدگی شود. اسلام می خواهد که این کودکان نیز مانند دیگر اطفال فردی مفید برای جامعه گردند، پس باید امکانات رشد و تربیتشان فراهم شود.

۱. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، جلد هشتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق. ص ۳۴۸.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، احمد فارس، دارالفکر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ ق. ص ۲۶۱.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، اول، ۱۴۱۰ ق. ص ۴.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد شانزدهم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ ق. ص ۳۳۸.

در اسلام و به تبع آن در فقه امامیه نهاد فرزندخواندگی وجود ندارد و اسلام جمیع احکامی که از قبل بر آن مترتب بود، با اسلام منسوخ باطل شد.^۱ اما این سخن به معنای بی‌اعتنایی اسلام به اطفال بدون سرپرست نیست. حضرت علی نیز در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر دستور می‌دهد تا مواظب یتیمان باشد و به وضع آنان رسیدگی کند و نیز در وصیت به فرزندان خود؛ امام حسن و حسین می‌فرماید: «در مورد یتیمان از خدا بترسید؛ نکنند که آن‌ها را گرسنه بگذارید تا در اثر بی‌سرپرستی ضایع و تباه گردند.»^۲

فقه امامیه کودکان بی‌سرپرست را شایسته تکریم و تربیت در خانواده می‌داند و در همه مدارک سفارش شده که به امورشان رسیدگی شود و می‌خواهد که این کودکان نیز مانند دیگر اطفال فردی مفید برای جامعه گردند، پس باید امکانات رشد و تربیتشان فراهم شود.

۴. مشروعیت داشتن اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان

بی‌شوهر از منظر فقه امامیه

فرزندخواندگی نهادی است که از مصالح ضروری جامعه محسوب می‌شود؛ ضرورت داشتن فرزند و فرزندخواندگی در طول تاریخ بر همگان آشکار شده است. فقها براساس نیاز جامعه نهاد فرزندخواندگی را پذیرفته‌اند. ادله موجود نیز این امر را نهی نمی‌کند.

«وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ»^۳ از مصادیق آیه شریفه فرزندخواندگی است و برخی مفسران به عقدی بودن فرزندخواندگی با تعبیری همچون عقد، معاهده

۱. نوری، یحیی؛ جاهلیت و اسلام، تهران، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی و مجمع معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۶۳۶.

۲. عالمی طامه، حسن؛ «عقد فرزندخواندگی»، نشریه فقه و حقوق، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۷، ص ۶۷.

۳. قرآن کریم: سوره نساء، آیه ۳۳.

تصریح کرده‌اند و شماری نیز آن را با صیغه ثبتي و فرزندخواندگی ذکر کرده‌اند.^۱ این کلمه شامل فرزندخواندگی زنان و دختران مجرد نیز می‌شود و با هیچ دلیلی از آن خارج نشده است.

یکی از دلایل مهم مورد استناد فقها در فقه قراردادهای، آیه شریفه: «أوفوا بالعقود»^۲ است. از مهمترین سندها مبني بر تأکید فقه با پایبندی به قراردادهای می‌باشد که مؤمنان را امر می‌کند تا به عقود و پیمان‌های خود وفا کند. برخی از فقهای معاصر برای تأیید عقود که از نظر عرف و لغت، عقد محسوب می‌شوند به این ایه استناد کرده‌اند. از دیدگاه آنان «أوفوا بالعقود» معنای عام دارد و نه تنها عقود متداول در زمان شارع و عقود که در منابع فقهی مورد بررسی قرار گرفته را شامل می‌شود بلکه هر عقدی را که در عرف مردم رواج یابد و شرایط اصلی عقد و اوصاف عرفی آن را دارا باشد، نیز دربر می‌گیرد.^۳ هیچ شکی نیست که واژه «العقود» به جهت جمع «ال» دار بودنش، از الفاظ عمومی بوده، بر عموم دلالت می‌کند؛ پس معنای آیه این است که وفا به جمیع عقود واجب است.^۴ این قاعده، در مورد کلیه قراردادهای، از جمله قرارداد فرزندخواندگی دختران مجرد نیز صادق است. سرپرست کودک براساس آیه شریفه به عهد خویش باید پایبند باشد.

براساس سیره عقلا، پذیرش فرزندخواندگی در جامعه سبب رفع نیازهای روحی، عاطفی، مادی، اجتماعی، فردی و اعتقادی است. این رفع نیازها هم برای پذیرنده کودک است و هم شامل فرزند می‌شود. وابستگی و نیازمندی نوزاد به مادر، پیش از تولد، امری حقیقی و تکوینی است. با تولد و انفصال نوزاد از مادر، آن ارتباط تکوینی

۱. عالمی طامه، حسن، عقد فرزند خواندگی، پیشین، ص ۶۷.

۲. قرآن کریم: سوره مائده، آیه ۱.

۳. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱، ص ۸۳.

۴. موسوی بجنوردی، محمد، علایی نوین، فروزان، بررسی وضعیت فرزند خواندگی بعد از انقلاب اسلامی، مجله متین، شماره ۴۲، ۱۳۸۸، ص ۹.

۱۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

بین مادر و کودک دیگر نیست، اما باز هم می‌توان گفت که برای ادامه زندگی و حیات جسمی، کودک نیاز به مادر دارد. برای کودکانی که این ارتباط بین مادران خود وجود ندارد، حفظ این رابطه با دختران و زنان مجردی که حاضرند عواطف و احساسات خویش را به پای کودکان بریزند، به طریق اولی امکان پذیر خواهد بود. به موجب قاعده «المومنون عند شُرُوطِهِمْ»^۱ شارع، مومنان را ملزم و پایبند به التزامات و تعهدات قراردادی خود می‌داند. می‌توان با دید وسیع‌تر و عام‌تری از این روایت به منظور تصحیح و اعتبار بخشیدن به التزامات قراردادی به طور کلی و به عنوان یک قاعده عام که خود قرارداد و همه شرایط و تعهدات آن را هم در بر می‌گیرد، استفاده کرد. براساس قاعده حفظ و نگهداری از طفل و تأمین مخارج وی، بر سرپرست او واجب و الزامی خواهد بود؛ از این رو با استناد به موارد فوق الذکر فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی‌شوهر مطابق با موازین فقهی و شرعی و هیچگونه منع شرعی برای آن وجود ندارد.

۵. شرایط حقوقی کودکان و سرپرستان در اعطای فرزندخواندگی به

دختران مجرد و زنان بی‌شوهر

در این قسمت در دو بند به بررسی شرایط کودکان و سرپرستان نسبت به اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بی‌شوهر خواهیم پرداخت.

۱-۵. شرایط کودکان در اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان

بی‌شوهر

طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۱ سپردن سرپرستی کودکان در صورتی انجام نخواهد شد که دارای شرایط ذیل باشد:

الف. امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد.

۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ الاستبصار فیما اختلفت من الأخبار، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق، ص ۲۳۲.

ب. پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.

ج. افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیتدار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه ننموده باشند.

د. هیچ یک از پدر، مادر و جدپدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود.

همچنین ماده ۹ مقرر می‌دارد: «کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده (۸) این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می‌گردند.^۱»

۱. ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد بتقاضای اقرابای طفل یا بتقاضای مدعی العموم بعد از ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه حاکم یک نفر امین بولی منضم می‌کند همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل بواسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی علیه نباشد.» ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه ولی قهری منحصر بواسطه غیبت یا حبس بهر علتی که نتواند بامور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم بکنفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد.»

۱۹۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

۵-۲. شرایط سرپرستان در اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان

بی‌شوهر

مستنبط از مواد ۵ و ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۱، می‌توان شرایط زیر را برای سرپرستان دختران مجرد و زنان بی‌شوهر برشمرد:

۱. حداقل سی سال سن
 ۲. منحصرأ حق سرپرستی اناث
 ۳. تقید به انجام واجبات و ترک محرمات
 ۴. عدم محکومیت جزایی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسلامی
 ۵. تمکن مالی
 ۶. عدم حجر
 ۷. سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی
 ۸. نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل
 ۹. صلاحیت اخلاقی
 ۱۰. عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر و یا صعب‌العلاج
 ۱۱. اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- در قانون جدید زنان و دختران مجردی که از موقعیت و جایگاه مطلوب اقتصادی و اجتماعی برخوردارند اما به هر دلیلی ازدواج نکرده‌اند؛ می‌توانند فرزند دریافت کنند، این قانون، فقط شامل دختران مجرد است و پسران مجرد نمی‌توانند از مزایای فرزندخواندگی بهره‌مند شوند؛ زیرا به عقیده قانونگذار؛ پسر مجرد بالای ۳۰ سال می‌تواند ازدواج کند و بچه‌دار شود، اما دختر مجرد بالای ۳۰ سال، برخی اوقات شرایط ازدواج برایش فراهم نمی‌شود و مطابق عرف جامعه، نمی‌تواند از مرد دیگری خواستگاری کند. از طرفی در صورت نبود پدر، مناسب‌ترین فرد در این شرایط، برای

پرورش و تربیت کودک، مادر است و شایسته است طفل، تمام دوره حضانت را نزد مادر باشد؛ از سوی دیگر این قانون برای دختران و زنان مجرد مفید خواهد بود؛ زیرا عواطف مادری این خانم‌ها بروز خواهد یافت و از طرف دیگر سرپرستی مناسب کودکان نیز به شکل مطلوب فراهم خواهد شد.^۱

واگذاری فرزند دختر به دختران مجرد بالای ۳۰ سال و زنان بدون شوهر یکی از مواردی است که در قانون جدید گنجانده شده است. بطوری که براساس آن دختران مجرد دارای شرایط و متقاضی فرزند می‌توانند به سازمان بهزیستی مراجعه کنند و پس از طی کردن مراحل مختلف در نهایت کودک دختر به آنان به عنوان فرزندخوانده واگذار می‌شود. همچنین در قانون جدید سن فرزندخواندگی نیز سه سال افزایش پیدا کرده است. به طوری که شرط سن کودک برای فرزندخواندگی در قانون قبل که متعلق به ۴۰ سال پیش بود زیر ۱۲ سال عنوان شده بود. اما در قانون جدید این سن به ۱۶ سال افزایش پیدا کرده است. در هر حال سه سال از تصویب قانون فرزندخواندگی می‌گذرد و طی این مدت مسئولان نهادهای ذیربط مشغول تدوین و تهیه راهکارهای اجرایی شدن مفاد آن هستند. که امیدواریم هر چه سریعتر به اتمام رسیده و زمینه اجرای گسترده آن در سراسر کشور فراهم شود. تا تعداد بیشتری از ۲۳ هزار فرزند سازمان بهزیستی همچون سایر کودکان بتوانند از لذت داشتن یک خانواده‌ای بهره ببرند. در قانون ۱۳۵۳ از شرایطی که برای فرزندخواندگی بیان شده بود، این است «حداقل یکی از زوجین متقاضی سرپرستی، به سن ۳۰ سال تمام رسیده باشد. از دیدگاه قانون، رسیدن به این سن می‌تواند به این علت باشد که متقاضی سرپرستی با این سن و سال

۱. کریمی، محمد سین؛ قدیری، الهام، اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد، دومین همایش ملی، عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میند، ۱۳۹۴، صص ۵-۶.

۱۹۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

در تصمیم‌گیری خود بیشتر از منطق و فکر منطقی پیروی خواهد کرد تا از احساس و هیجانات عاطفی که ممکن است غالباً زودگذر باشد.^۱»

زنان مجرد واجد شرایط می‌توانند از حق سرپرستی بهره‌مند شوند. زیرا ترجیح آن است که کودک در نهاد خانواده رشد کند. ولو آنکه آن خانواده تک‌والد بوده و پدر در آن حضور نداشته باشد.

در تبصره ۳ ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب اشاره دارد: «اولویت در پذیرش سرپرستی به ترتیب باز ن و شوهر بدون فرزند، سپس زنان و دختران بدون شوهر فاقد فرزند و در نهایت زن و شوهر دارای فرزند است.»

این زنان و دختران می‌توانند؛ مانند تمامی زنان دیگر که به طور طبیعی زایمان کرده‌اند و از مرخصی زایمان بهره‌مند می‌شوند، از این حق استفاده کنند. زیرا مرخصی زایمان فقط برای بهبود وضعیت فیزیولوژیکی زنان نیست. بلکه برای تثبیت ارتقای سطح روانی فرد و ایجاد روابط عاطفی با کودک، این زنان نیز باید از این حق بهره‌مند شوند. این مسأله در ماده ۲۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست ذکر شده است: «شخصی که سرپرست افراد تحت حمایت این قانون را بر عهده می‌گیرد از مزایای حمایتی حق اولاد و مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره زایمان) بهره‌مند می‌باشد. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز از مجموعه مزایای بیمه و بیمه‌های تکمیلی وفق مقررات قانونی برخوردار خواهد شد.»

اسم کودک در شناسنامه دختران مجرد ثبت خواهد شد؛ در ارتباط با نحوه ثبت‌نام پدر در صورتی که سرپرست، دختر و یا زن مجرد است؛ شناسنامه فرد تحت سرپرستی با مشخصات کامل شناسنامه‌ای سرپرست و نام کوچک پدر فرضی به پیشنهاد سرپرست صادر خواهد شد.

۱. موسوی بجنوردی، محمد، علایی نوین، فروزان؛ بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۶.

این قانون هم برای دختران مجرد و هم کودکان بی‌سرپرست مفید باشد؛ چرا که کانون مناسبی برای کودکان بی‌سرپرست ایجاد می‌شود و از طرفی خانم‌های مجرد زیادی وجود داشته که استطاعت مالی و جایگاه اجتماعی خوبی دارند، که می‌توانند هزینه معاش و تحصیل کودک را فراهم نمایند، همچنین این قانون می‌تواند عواطف مادری این خانم‌ها را بروز دهد و هم سرپرستی مناسب این کودکان را به شکل مناسبی فراهم کند.

نتیجه‌گیری

در جوامع غربی زنانی هستند که ۹ ماه باردار نبودند و کودکی را به دنیا نیاوردند، ولی مادرند؛ از کودکی نگهداری می‌کنند و زمینه‌های رشد و پرورش او را ایجاد می‌کنند؛ نگران فرزند خود هستند، با بیماری او بیمار و با خنده‌هایش شاد می‌شوند؛ مادرانی که کودکانی را به فرزندخواندگی پذیرفته‌اند و شاید اگر خود صاحب فرزند می‌شدند همینقدر حساس نسبت به آینده‌اش بودند.

شرایط گرفتن یک کودک به عنوان فرزند خوانده در ایران بسیار دشوار بود، آنگونه که خیلی از خانواده‌ها موفق به انجام چنین امری نمی‌شوند. خانواده‌هایی که می‌توانستند پناه و زمینه‌ساز زندگی آینده یک کودک باشند، اما قوانین سفت و سخت مانع آنها شده بود. در تحولات تقنینی جدید فرزندخواندگی تسهیلاتی در نظر گرفته شده است، که «واگذاری فرزند دختر به دختران مجرد بالای ۳۰ سال و زنان بدون شوهر» ممکن شده است. به طوری که دختران مجرد دارای شرایط و متقاضی فرزند می‌توانند به سازمان بهزیستی مراجعه کنند و پس از طی کردن مراحل مختلف در نهایت کودک دختر به آنان به عنوان فرزند خوانده واگذار می‌شود. همچنین برای ثبت اسم کودک در شناسنامه دختران مجرد کمیته‌ای با حضور مسئولان ذیربط تشکیل می‌شود.

۱۹۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

در همین راستا می‌توان گفت که چون دختران و زنان مجرد بالای ۳۰ سال از این طریق با ایجاد حس همگرایی از بیهوده دانستن زندگی و یاس دور شده و به این طریق به زندگی دل بسته می‌شوند. از طرفی فرزندان این خانواده‌ها چون در زندگی با یک خانواده قرار می‌گیرند از ورود به آسیب‌های اجتماعی دور می‌مانند.

در خصوص نکات مثبت و منفی باید گفت که این مساله مطلق نیست ولی موثر است. بنابراین این قانون از بعد روحی و روانی و از بعد شخصیت‌دهی به کودکان و تاثیر مثبت در موفقیت آینده آن‌ها، مفید خواهد بود ولی خطری که کودکان را در این قانون تهدید می‌کند این است که اگر این دخترها و زنان بی‌شوهر بالای ۳۰ سال ازدواج کردند در این صورت آینده‌ی این کودکان با تغییر سبک زندگی سرپرست خود به خطر خواهد افتاد.

منابع

قرآن کریم

۱. منابع فارسی

۱. توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۸)؛ فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک و ۱۹۸۹ و مقایسه آن حقوق ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره سی و نهم.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵)؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. دفتر امور شبه خانواده (۱۳۹۱)؛ آیین نامه اجرایی فرزندخواندگی، تهران: سازمان بهزیستی.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ لغت نامه دهخدا، جلد چهاردهم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. رزاقی، رضا (۱۳۸۵)؛ چکیده‌ای درباره فرزندپذیری، چاپ اول، تهران، اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
۷. صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۶)؛ مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهاردهم.
۸. عالمی طامه، حسن (۱۳۹۱)؛ فرزندخواندگی در اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۹. عالمی طامه، حسن (۱۳۸۷)؛ «عقد فرزندخواندگی»، نشریه فقه و حقوق، شماره ۲۰.

۱۹۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۷

۱۰. عباسی، فهیمه (۱۳۹۲)؛ بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱۱. کریمی، محمد سین؛ قدیری، الهام (۱۳۹۴)؛ اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد، دومین همایش ملی، عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

۱۲. موسوی بجنوردی، محمد و علایی نوین، فروزان (۱۳۸۸)؛ بررسی وضعیت فرزندخواندگی بعد از انقلاب اسلامی، مجله متین، شماره ۴۲.

۱۳. نوری، یحیی (۱۳۵۷)؛ جاهلیت و اسلام، تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی و مجمع معارف اسلامی، چاپ اول.

۲. منابع عربی

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)؛ لسان العرب، احمد فارس، بیروت: انتشارات دارالفکر، چاپ سوم.

۱۵. خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)؛ کتاب البیع، جلد اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعه، جلد شانزدهم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.

۱۷. سجستانی، سلمان بن اشعث (۱۴۱۰ق)؛ سنن ابی داود، سعید محمد اللحام، دارالفکر، بیروت، چاپ یازدهم.

۱۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)؛ تهذیب الاحکام، جلد هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)؛ الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، جلد سوم، دارالکتب الاسلامیه.

تحليل فقهي و حقوقي فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی شوهر.....۱۹۹

۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق)؛ بحارالانوار، بیروت: مؤسسه

الوفاء، چاپ اول.

۳. منابع لاتین

۲۱. Gager, K. E. ۱۹۹۶, Blood Ties and Fictive Ties: Adoption and Family Life in Early Modern France, Princeton: Princeton University Press.

۲۲. Fernea, E. W. ۱۹۹۵, Children in the Muslim Middle East, University of Texas Press, PO Box ۷۸۱۹, Austin, TX ۷۸۷۱۳-۷۸۱۹.